

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳	تاریخ	۱۴۰۰/۰۶/۲۲
عنوان ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات				
عنوان ۲	مبحث ششم: تجری				
عنوان ۳	مطلب اول: حرمت یا عدم حرمت فعل متجری به				
عنوان ۴	بخش اول: ادله ثبوت حرمت فعل متجری به				
عنوان ۵	دلیل چهارم: آیات و روایات				

روایت سوم:

روایت سوم از روایاتی که ادعا شده که دلالت بر ترتب عقاب بر صرف نیت دارد، روایتی است که مرحوم کلینی به سند صحیح از امام صادق ع نقل می کند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص:

« نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ »^۱

امام صادق ع از رسول اکرم ص نقل می کند که فرمودند: نیت مؤمن از عملش بهتر و نیت کافر بدتر از عمل او است.

استدلال به این روایت برای حرمت تجری به این بیان است که در این روایت به صراحت، نیت مؤمن بهتر از عمل او قلمداد شده و نیت کافر بدتر از عملش شمرده شده است. و روشن است که عمل کافر عقاب آور است و اگر نیت او، بدتر از عمل او باشد، به این معناست که به طریق اولی نیت او نیز موجب عقاب خواهد بود؛ لذا اگر نیت او موجب عقاب باشد، حرام و معصیت خواهد بود. بنابراین نیت صرف، موجب عقاب خواهد شد و در تجری نیز نیت معصیت وجود دارد، لذا تجری نیز حرام خواهد بود.

نقد استدلال به این روایت:

این روایت نیز دلالتی بر حرمت تجری ندارد؛ در رد استدلال به این روایت دو مطلب را بیان می کنیم:

۱. وسائل الشیعه؛ ابواب مقدمة العبادات، باب ۶، ح ۳.

مطلب اول: این روایت دلالت ندارد بر اینکه نیت صرف، شرتر از عمل کافر است؛ بلکه مراد نیت منتهی به عمل است؛ لکن این نیتی که منتهی به عمل می‌شود، در نیت خیر، بخش نیتش بهتر از خود عمل است و در نیت شر، بخش نیتش شرتر از خود عمل شر است؛ زیرا نیت، سبب آن عمل است؛ لذا بخش نیت، از خود عمل در نیت خیر بهتر و در نیت شر، بدتر است. نکته‌اش این است که نیت، موجب عمل می‌شود. و علاوه بر این، نیت یک عمل خیر، ممکن است و عادتاً چنین است که به عمل‌های خیر دیگر نیز کشیده شود و نیت عمل شر نیز ممکن است به عمل‌های شر دیگری نیز کشیده شود؛ لذا نتیجه نیت عمل، اوسع از نتیجه عمل است. بنابراین هم از نظر مبدأ و هم از نظر منتهی، نیت کافر، بدتر از عمل اوست.

مطلب دوم: ممکن است مراد از روایت این باشد که ارزش یک عمل با نیت، بر اساس نیت تعیین می‌شود؛ نه اینکه مراد نیت بدون عمل یا عمل بدون نیت باشد. مقصود این است که آنچه به یک عمل ارزش می‌دهد، نیتی است که در پس این عمل وجود دارد؛ لذا گاهی عمل خیر است؛ اما شخص با نیت بد آن را انجام می‌دهد و یا بالعکس؛ اما اینکه گفته کافر و مؤمن به این دلیل است که مؤمن معمولاً نیت خیر دارد و کافر، نیت شر. خلاصه اینکه میزان تعیین یک عمل، نیت است؛ اگر نیت، نیت خوبی بود، عمل هم اگر عمل بدی باشد، باز این نیت، بهتر از عمل است؛ و اینطور نیست که شخص به خاطر این عمل عقاب شود؛ زیرا بر اساس نیتش با او معامله می‌کنند^۱ و همچنین اگر کسی نیت شری داشت؛ اما عمل خیری انجام داد، به او ثواب نمی‌دهند؛ زیرا نیت او، نیت بدی بوده است، ولو اینکه عمل، عمل خیری است.

سوال یکی از شاگردان: در تجری نیز همین است، عمل خیر است و نیت معصیت؛ لذا باید بر آن نیت عقاب شود. پاسخ استاد: ما می‌گوییم آنچه به عمل ارزش می‌دهد، نیتی است که در پس عمل وجود دارد؛ لذا در صورتی که اصلاً معصیتی مرتکب نشده باشد، عملش شر نیست تا گفته شود، نیتش از عملش بدتر است؛ لذا است که آنجایی که عمل شری با نیت شر انجام می‌گیرد، بخش نیت آن است که آن عمل را از لحاظ میزان عقاب بالا یا پایین می‌آورد؛ اگر نیتش نیز نیت شر بود، بر آن عمل عقاب خواهد شد و اگر نیت او نیت شر نبود، دیگر عقاب بر آن عمل نمی‌شود. مثلاً. لذا اگر مثلاً دو نفر مرتکب عمل شری شوند؛ اما یکی از آنها با نیت شر اشد و دیگری با نیت شر اخف مرتکب آن فعل شده باشد، [عقاب آنها متفاوت خواهد بود؛] مثلاً یک مؤمنی را می‌کشد، نه به خاطر اینکه او مؤمن است؛ و دیگری مؤمنی را می‌کشد به قصد اینکه مؤمنی را بکشد؛ در اینجا کسی که مؤمنی را با نیت اینکه او مؤمن است به قتل می‌رساند، نیتش شرتر از نیت دیگری است؛ نیت، میزان شدت و خفت عقاب را نزد خداوند مشخص می‌کند؛ اما عقاب بر خود عمل است؛ و این غیر از تجری است که در آن عمل شری وجود ندارد. آنچه در روایات آمده که «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^۲ نیز به همین معناست.

۱. «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ هرگاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند؛ [و از آنچه در توان دارند، مضایقه نمایند]. بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست. سوره توبه: ۹۱.

۲. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمات العبادة، باب ۵، ح ۱۰.

روایت چهارم:

مرحوم کلینی روایت می‌کند:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ عَنِ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 «إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى: قُلْ كُلُّكُمْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ قَالَ عَلَىٰ نِيَّتِهِ»؛

حضرت صادق عليه السلام فرمود: اینکه دوزخیان همیشه و برای ابد در دوزخ مخلد هستند از این جهت است که نیت آنها این است که اگر فرضاً در دنیا برای ابد زنده و جاوید باشند، هیچ وقت تسلیم حق نشده و راه معصیت و سرکشی را ادامه دهند و همچنین بهشتیان که در بهشت مخلد و جاوید هستند، از این نظر است که نیت آنان اطاعت و اجراء فرامین الهی است گر چه در دنیا جاویدان باشند؛ پس بر اساس نیت خود اینان در بهشت و آنان در دوزخ مخلد و جاویدان هستند سپس حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «هر کس طبق روش [و خلق و خوی] خود عمل می‌کند» و توضیح داند که هر کس بر اساس و پایه نیت خود عمل می‌کند.

استدلال به این روایت چنین است که گفته می‌شود در این روایت می‌فرماید علت خلود اهل جهنم در آتش، نیت آنها و علت خلود اهل بهشت در بهشت، نیت آنهاست که نیت داشتند تا ابد طاعت خدا را بجای آورند؛ پس هر دو گروه به سبب نیت، خلود در نار یا جنت را برای خود مقرر کرده‌اند؛ لذا از این روایت استفاده می‌شود که بنا بر نیت، عقاب صورت می‌گیرد؛ مثلاً کسی که ۸۰ سال گناه کرده، ۸۰ سال به خاطر اعمالش او را عقاب می‌کنند و بعد از آن به خاطر نیتی که داشته او را عقاب خواهند کرد؛ پس معلوم می‌شود نیت، عقاب آور است؛ بنابراین در تجری نیز که نیت معصیت وجود دارد، باید عقاب آور باشد.

نقد استدلال به این روایت:

استدلال به این روایت نیز به نظر ما باطل است؛ به دو بیان:

بیان اول (بیان نقضی): بیانی که در این روایت آمده است، در صدد حل مشکلی است؛ مشکل این است که عقاب بر عملی که ۸۰ سال بیشتر نبوده، چرا باید عقاب جاودان بوده و اکثر از عمل باشد؛ در حالی که این با عدالت سازگار نیست و عدالت اقتضا می‌کند جزای عمل، مانند آن باشد؛ لذا اگر ما بخواهیم اینگونه تفسیر کرده که بگوییم این روایت می‌خواهد بفرماید عقاب خلودی، بر صرف نیت معصیت بار است، این مشکلی که روایت در صدد حل آن بوده

۱. همان؛ باب ۶، ح ۴.

۲. همانطوری که خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا»؛ اما کسانی که مرتکب گناهان شدند، جزای بدی به مقدار آن دارند. سوره یونس: ۲۷.

را حل نمی‌کند؛ زیرا این نیت معصیت نیز بیش از ۸۰ سال نبوده است و پس از مرگ او از بین می‌رود؛ لذا بر این نیت نیز باید ۸۰ سال عقاب شود.

بنابراین این روایت، نمی‌تواند به این معنا باشد که مستدل به آن تمسک کرده؛ ان شاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد که مراد روایت چیست.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين